

درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمغیدی

تاریخ: ۱۷ فروردین ماه ۱۳۹۴  
مصادف با: ۱۶ جمادی الثانی ۱۴۳۶  
جلسه: ۹۱

موضوع کلی: مقصد اول - أوامر  
موضوع جزئی: صیغه امر - جهت اول: مدلول صیغه امر - نظر محقق خراسانی  
سال: ششم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

**خلاصه جلسه گذشته**

چون اواخر بحث دیروز ضبط نشده بود قهرا باید بخشی از بحث دیروز را اعاده کنیم و لذا سعی میکنم خیلی مختصر، مباحث دیروز را مجدداً بیان کنم.

اصل بحث در مورد صیغه امر بود. عرض کردیم در صیغه امر، مثل ماده امر در چند جهت بحث خواهیم داشت و چند مبحث را مطرح خواهیم کرد.

**جهت اول: مدلول صیغه امر**

جهت اول، بحث از مدلول صیغه امر است که اصلاً صیغه امر به چه معنا است؟ موضوع له آن چیست؟ در مورد صیغه امر هم بیان کردیم که منظور، هیئت إفعال و ما یشابهها است. در این رابطه چندین دیدگاه وجود دارد شاید در بین اصولیین هفت الی هشت نظر در مورد معنای صیغه امر وجود دارد.

**اقوال**

ابتدا این نظریات را به صورت فهرست وار اشاره می‌کنم و سپس به تفصیل نظرات را مورد بررسی قرار خواهیم داد. محقق خراسانی معتقد است مدلول صیغه امر طلب انشائی است. محقق نائینی مدلول صیغه امر را نسبت انشائیه ایقاعیه می‌داند.<sup>۱</sup> محقق اصفهانی موضوع له صیغه امر را نسبت طلبیه می‌داند.<sup>۲</sup> محقق عراقی هم معتقد است موضوع له هیئت إفعال، نسبت ارسالیه تحریکیه بین المبدء و الفاعل است و طلب به نظر ایشان لازمه این نسبت ارسالیه تحریکی است نه اینکه موضوع له، خود طلب باشد.<sup>۳</sup> امام (ره) نیز مدلول یا موضوع له هیئت إفعال را، بعث و تحریک می‌داند.<sup>۴</sup> مرحوم آقای خوئی هم معتقد است، صیغه امر به معنای مبرز طلب است یعنی صیغه امر برای ابراز طلب وضع شده است که بر خلاف نظر محقق خراسانی، استعمال هیئت امر در سائر معانی را مجاز می‌داند.<sup>۵</sup> برخی از بزرگان هم معتقدند، موضوع له صیغه امر نسبت طلبیه است.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> . اجود التقريرات، ج ۱، ص ۱۳۴

<sup>۲</sup> . نهایه الدرایه، ج ۱، ص ۳۰۷

<sup>۳</sup> . نهایه الافکار، ج ۱، ص ۱۷۸

<sup>۴</sup> . مناهج الوصول، ج ۱، ص ۲۴۳

<sup>۵</sup> . محاضرات، ج ۱، ص ۴۷۳

<sup>۶</sup> . منتقى الاصول، ج ۱، ص ۳۹۳

اینها، اقوالی است که در مورد معنای صیغه امر یا موضوع له یا مدلول هیئت إفعال ذکر شده که با یکدیگر متفاوت بوده و اجمالاً آنها را در جلسات بعد توضیح خواهیم داد.

در صدر تمام این انظار، ابتدا نظر محقق خراسانی را ذکر خواهیم کرد و سپس به سائر انظار می پردازیم.

### ۱- نظر محقق خراسانی

محقق خراسانی معتقد است، صیغه إفعال در معانی متعدد استعمال نشده بلکه صیغه إفعال فقط یک دارد و آن معنا هم طلب انشائی است و آنچه که از موارد استعمال صیغه إفعال یا امر می بینیم، تماماً دواعی استعمال هستند نه اینکه موضوع له یا مستعمل فیه باشند. توضیح مطلب این است که:

به طور کلی با مراجعه به عرف، قرآن و روایات می بینیم، هیئت إفعال در موارد مختلف استعمال شده است. در اغلب موارد، این هیئت در معنای طلب استعمال شده و این هم در استعمالات عرفی رایج است و هم در قرآن و روایات، اکثر اوامر الهی با صیغه امر و هیئت إفعال بیان شده مانند «اقیموا الصلاة و اتوا الزکاة یا در مورد صوم و خمس و حج و...» یعنی اکثر تکالیف الهی به همین صورت توسط خداوند تبارک و تعالی و ائمه (علیهم السلام) وارد شده است و نیز در استعمالات عرفی هم اینگونه است.

اما در مواردی هم صیغه إفعال، برای بیان تعجیز و نشان دادن عجز مخاطب استعمال می شود مانند آیه (وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ)<sup>۷</sup> که به مخاطبین و مشرکین می فرماید: اگر در آنچه نازل کردیم شک دارید، یک سوره مانند قرآن بیاورید. چون پیامبر (صلوات الله علیه و آله وسلم) به مکتب نرفته بود، این سخنان و کلمات و آیات و سوره، از مثل او غیر متعارف بود! ولذا خداوند متعال فرموده: این آیات و کلمات را ما بر عبد خود نازل کردیم چون وقتی پیامبر (صلوات الله علیه و آله وسلم) ادعا می کرد که این کلمات از طرف خدا است، آنها شک می کردند لذا خداوند تبارک و تعالی می فرماید: اگر در آنچه ما بر بنده خود نازل کردیم شک دارید، (فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ) که (فَأْتُوا) در هیئت إفعال استعمال شده اما نه در معنای طلب حقیقی یعنی خداوند واقعا قصد ندارد از مخاطب طلب کند که شما یک سوره ای بیاورید، بلکه در واقع می گوید: شما از آوردن یک سوره مثل قرآن عاجز هستید. پس مقام، مقام تعجیز است.

گاهی نیز هیئت إفعال در تسخیر و در مقام تسخیر استعمال می شود. مانند (كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ)<sup>۸</sup>، خداوند تبارک و تعالی در این آیه می فرماید: من اراده کردم که شما به صورت میمون در آید، یعنی من شما را مسخر خودم قرار دادم. در اینجا، (كُونُوا) امر به معنای طلب حقیقی نیست که مخاطب به اختیار خود امثال کرده باشد، بلکه خداوند آنها را تسخیر کرده و تحت تسخیر خودش در آورده است لذا در اینجا صیغه امر استعمال شده اما در مقام تسخیر است پس در اینجا، تسخیر داعی بر استعمال است نه اینکه معنای امر یا حتی مستعمل فیه امر باشد.

<sup>۷</sup>. بقره، آیه ۲۳

<sup>۸</sup>. بقره، آیه ۶۵

در برخی مواقع هم در مقام تهدید و به داعی تهدید بکار می رود مانند (اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ)<sup>۹</sup> که (اعْمَلُوا) هیئت افعال است اما به داعی تهدید است نه اینکه به معنای طلب حقیقی باشد زیرا خداوند در حال تهدید است که هر کاری را میخواهید انجام دهید اما بالاخره عواقب و آثار آن گریبان شما را می گیرد.

هیئت افعال در مقام تمنی و ترجی و ... هم استعمال می شود.

محقق خراسانی بر این عقیده است که این موارد استعمال، هیچکدام معانی صیغه امر نیستند بلکه صیغه امر یا هیئت افعال برای طلب انشائی وضع شده و فقط همین یک معنا را دارد و اینها نه تنها معانی موضوع لهی یا حقیقی صیغه امر نیستند، بلکه امر در این معانی هم استعمال نشده یعنی در اینجا هم موضوع له و هم مستعمل فیه یک چیز است و آن طلب انشائی است و سایر معانی داعی و انگیزه‌ی استعمال صیغه افعال توسط متکلم است یعنی متکلم گاهی صیغه امر را در معنای طلب انشائی بکار می برد و مستعمل فیه آن هم واقعا طلب انشائی است ولی آنچه که او را بر استعمال این صیغه وادار کرده و داعی شده، تعجیز یا تسخیر یا تهدید یا ... بوده است. پس طبق نظر مرحوم آخوند، نه موضوع له و نه مستعمل فیه صیغه امر در تمام این موارد، متعدد نیست بلکه در تمام این موارد هم موضوع له و هم مستعمل فیه طلب انشائی است.

البته ایشان در آخر نظر خود فرمودند (قصراری ما یمكن أن یدعی): نهایت چیزی که ممکن است در اینجا ادعا شود این است که استعمال صیغه امر در معنای طلب انشائی، اگر به داعی طلب واقعی باشد، حقیقت است و اگر به داعی تعجیز یا تسخیر یا تهدید یا تمنی و ترجی و ... باشد، مجاز است یعنی در واقع مجازی که ایشان در مورد تعجیز و تحقیر و ... ادعا کرده اند، غیر از آن مجازی است که در مثل (رایت اسداً یرمی) ادعا شده زیرا در آنجا، لفظ که برای معنایی وضع شده، در غیر موضوع له استعمال شده چون طبق مبنای مشهور حقیقت عبارت از استعمال لفظ فی ما وضع له است و مجاز هم عبارت از استعمال لفظ فی غیر ما وضع له است. بر همین اساس استعمال اسد در حیوان مفترس، حقیقت است اما استعمال آن در رجل شجاع، استعمال مجازی است لذا مستعمل فیه متفاوت است اما در اینجا مرحوم آقای آخوند می فرماید: هیئت افعال برای طلب انشائی وضع شده و در طلب انشائی هم استعمال شده یعنی موضوع له و مستعمل فیه است لکن دواعی مختلف است و مجاز و حقیقت نیز به اعتبار آن دواعی بوجود می آید. این اصل سخن محقق خراسانی در این مقام است.

### بررسی نظر محقق خراسانی

حال باید ببینیم که آیا این مطلب و سخنی که محقق خراسانی فرموده اند، تمام است یا خیر؟ قبل از هر چیز توجه شما را به نکته مهمی جلب می کنم. آن نکته این است که نظریه محقق خراسانی، مبتنی بر دو مبنا است که اگر آن دو مبنا مورد اشکال واقع شود، دیگر نمی توان این سخن را پذیرفت.

### مبنای اول

مبنای اول مربوط به باب انشاء است. در باب انشاء، انظار و آراء مختلف است.

<sup>۹</sup>. فصلت، آیه ۴۰.

ما در اوائل بحث از حکم شرعی در چند سال قبل به تفصیل درباره انشاء بحث کردیم و الان نیز اجمالا آن بحث را به مناسبت مطرح خواهیم کرد ولی نظر محقق خراسانی در اینجا مبتنی بر مبنایی است که مشهور در باب انشاء اختیار کردند. به نظر مشهور، انشاء عبارت از (ایجاد المعنی باللفظ) است. البته نکاتی در این تعریف وجود دارد که در جای خود توضیح داده شده از جمله این که اساسا ایجاد معنا در کجاست؟ آیا در اعتبار است یا در نفس الأمر؟ مشهور اجمالا می گویند: اگر بواسطه لفظ، معنایی ایجاد شود، انشاء است مثلا با هیئت امر معنایی را ایجاد می کنید البته نه در خارج بلکه در عالم نفس الأمر یا اعتبار بنا بر اختلافی که وجود دارد. بر این اساس، مرحوم آقای آخوند معتقد است که با هیئت إفعال، طلب انشائی ایجاد می شود.

### مبنای دوم

مبنای دیگر هم که نظر محقق خراسانی در این مقام مبتنی بر آن است مربوط به نظر ایشان در باب طلب و اراده است. به نظر محقق خراسانی، طلب و اراده فی جمیع الجهات متحدند به عبارت دیگر اراده و طلب از نظر مفهومی و از نظر مصداقی متحدند به عبارت دیگر طلب و اراده از حیث مصداق و وجود حقیقی و وجود ذهنی و انشائی هیچ فرقی با یکدیگر ندارند و تنها تفاوتی که بین طلب و اراده وجود دارد، مربوط به مقام انصراف است یعنی اراده، انصراف به اراده حقیقی دارد ولی طلب، انصراف به طلب انشائی دارد. اگر بگوئیم مفاد صیغه امر عبارت از طلب انشائی یا اراده انشائی است، هیچ فرقی ندارد یا به تعبیر برخی بگوئیم: مفاد هیئت إفعال، انشاء الطلب است یا بگوئیم: مفاد هیئت إفعال، انشاء الاراده است، فرقی ندارد. این دو مبنا در واقع دو پایه ای است که نظریه آخوند بر آن استوار است یعنی اینکه ایشان می فرماید: هیئت إفعال و صیغه امر به معنای طلب انشائی است، با ملاحظه این دو مبنا قابل قبول است.

ابتداء این نظر بر این دو پایه هم روشن و آشکار است چون آقای آخوند که معتقد است، صیغه امر عبارت از طلب انشائی است یا عبارت از انشاء الطلب است، مبتنی بر این است که ما انشاء را مبتنی بر ایجاد المعنا باللفظ بدانیم. وقتی می گوید هیئت إفعال به معنای طلب انشائی است، یعنی با هیئت إفعال، انشاء می شود یعنی با این لفظ معنایی ایجاد می شود که آن معنا طلب حقیقی نیست زیرا طلب حقیقی، چیزی نیست که با لفظ ایجاد شود بلکه طلب حقیقی یک نوع خواستن حقیقی و قلبی است که به همین نحو در نفس ما محقق می شود و آنچه می شود، طلب انشائی است. اما ابتداء این نظریه بر پایه دوم، یعنی اتحاد طلب و اراده هم روشن است زیرا وقتی طلب با اراده متحد باشد، آنوقت می توانیم بگوئیم معنای هیئت إفعال همان طلب انشائی است.

حال اگر این دو پایه و مبنا منهدم شود، یعنی انشاء را به نحو دیگری تفسیر کنیم، یا مثلا اراده و طلب را متحد ندانیم، سخن مرحوم آخوند محل اشکال واقع می شود.

«الحمد لله رب العالمین»